

ستیغ سخن فاده



- سرشناسه: مردانی، نصرالله، ۱۳۲۶
- عنوان: ستیع سخن، نوشته: نصرالله مردانی، با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مشخصات نشر: تهران: مؤسسه احمن قلم ایران، ۱۳۸۸
- مشخصات ظاهری: ۴۹۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م
- فروست: پیشکوتان ادبی - ۳۹
- شابک: ۷۵۰۰۰ ریال ۵-۶۵-۵۵۳۵-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «تذکره منظوم ستیع سخن، همراه با معرفی کوتاه حدود دوهزار شاعر» توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است.
- عنوان دیگر: تذکره منظوم ستیع سخن، همراه با معرفی کوتاه دو هزار شاعر.
- موضوع: شاعران ایرانی - سرگذشتنامه
- موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
- شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی.
- رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۴-۴۴۴/م ۳۵۴۳ PIR
- رده بندی دیوبی: ۸ فا ۱۰۰۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۶۶۱۹۲



ستیع سخن

نوشته: نصرالله مردانی

ناشر: انتشارات مؤسسه انجمن قلم ایران

با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مدیر اجرایی: مهدی رمضانی

چاپ اول ناشر: ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۳۵-۶۵-۵

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

هرگونه استفادهٔ متنی و تصویری از این کتاب، منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.

نشانی: تهران- خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی- بالاتر از میدان کلاتری- شماره ۳۶۰-

صندوق پستی: ۷۳۶۷-۱۴۱۵۵- مؤسسه انجمن قلم ایران

تلفن مرکز پخش: ۸۸۰۵۹۳۱۹

فهرست مطالب

بخش اول

منظومه ستیغ سخن ۲۱

بخش دوم

منظومه ستیغ سخن ۵۵

مقدمه ۵۷

نام شاعران ۶۳

نام کتابها ۹۱

معرفی شاعران ۹۹

معرفی کتابها ۳۵۵

بخش سوم

فهرست نام شاعران ۳۹۳

فهرست نام کتابها ۴۶۵

فهرست منابع ۴۷۵

راهنمای اختصاری منابع ۴۹۳

پیشگفتار

اندیشه سرودن این منظومه، پانزده سال خاطر شاعر مبتکر و زبردست معاصر و متعهد انقلاب اسلامی - جناب آقای نصرالله مردانی - را به خود مشغول می‌داشت. تا سرانجام در عصر بلوغ شرف و ایمان و در هنگامه جوشش حماسه و ایثار انقلاب و دفاع مقدس، بشارت میلاد فرا رسید و این مولود فرخنده، با آهنگ کلام خداوندگار سخن و حماسه (فردوسی)، پا به عرصه وجود گذاشت و طراز بند دفتر شعر و ادب پارسی گردید.

نخستین بار در کنگره شعر دانشجویی مازندران، نفحات آن، مشام شیفتگان ادب فارسی را معطر گردانید و سپس در سال ۱۳۶۷ در کنگره جهانی بزرگداشت حافظ در شیراز، تحسین استادان و سخن‌سنجان ادب فارسی را برانگیخت و در بین سخنسرایان پیروانی یافت. از آن پس گروهی از ادب‌دوستان و ادب‌پروران مشتاقانه در انتظار انتشار آن بودند. تا اینکه اکنون - به لطف خداوند - فرصتی فراهم شده است تا این

منظومه بدیع - که در نوع خود بی همتاست - در جامهٔ سپید اوراق کتاب حاضر، به بارگاه نگاه نکته‌سنجان و نازک‌اندیشان راه یابد.

این منظومهٔ بکر و بدیع را ویژگیها و ظرافتهایی است که بدون آگاهی از آنها، بیم آن می‌رود که ارزش و قدرش ناشناخته بماند، و روش تنظیم و چاپ آن را شیوه‌ای است که بدون ذکر آن، خواننده ممکن است تا مدتی به رموز کار آگاه نگردد و وقتش هدر رود. بدین منظور، گزارش‌گونه‌ای مختصر بر مطول این تذکرهٔ منظوم، در ذیل درج می‌شود تا خواننده روان‌تر و بهتر در فضای شکوهمند و پرنعمهٔ آن گام بردارد و راحت‌تر از چشمهٔ عطرآگین آن سیراب گردد.

۱- این منظومه از بیست و هفت بند یازده بیتی، یعنی در مجموع از دویست و نود و هفت بیت تشکیل شده که در بحر متقارب و در قالب مثنوی، اما به صورت ترجیع‌بند سروده شده است. «ترجیع مثنوی» به این شکل، تاکنون در ادبیات فارسی سابقه نداشته است.

چهار بند اول این مجموعه، مقدمه‌ای است که در آن، فراز و نشیب‌های شعر در طول تاریخ، به اختصار بیان می‌شود و نوزده بند میانی آن به ذکر نام بیش از دو هزار شاعر پارسی‌گو - از آغاز پدیدار شدن شعر فارسی تا دوران معاصر - اختصاص یافته است. لازم به توضیح است: در ابیات این منظومه، گذشته از نام تعداد انگشت‌شماری از شاعران نام‌آور - که به صراحت و به ترتیب تقدّم زمانی از ایشان نام برده شده - نام بقیه به صورت ایهام و اشاره به کار رفته است. چهار بند

پایانی نیز به ذکر نام بیش از صد و پنجاه تذکره یا اثر ادبی اختصاص یافته است.

۲- در این منظومه، به منظور حفظ توجّه دائمی خواننده به مخاطب خود، یعنی شعر، التزام دشواری به کار رفته است؛ و به استثنای دو بیت (آن هم به دلیل موقوف‌المعانی بودن با بیت قبلی)، در تمامی ابیات دیگر، شاعر با ضمایر «تو» یا «ت» یا «ی»، شعر را مخاطب قرار داده است. این التزام، آن چنان ظرافتمندانه و استادانه به کار گرفته شده است که نه تنها هیچ نشانی از تصنع در آن مشهود نیست، بلکه حتّی اگر پیشاپیش بدان توجّه داده نشود، چه بسا خواننده متوجه آن نخواهد شد. همچنین، تکرار بیت ترجیع در آخر هر بند، توجّه خواننده را به مخاطب خود، یعنی شعر، تجدید می‌کند؛ و این امکان را فراهم می‌سازد تا وی در پایان هر بند، در ایستگاه «ترجیع» نفسی تازه کند و از فضای حاکم هر بند، به افق تازه دیگری روی آورد.

۳- از مهم‌ترین ویژگیهای دیگر این منظومه این است که به هنگام ذکر ویژگیهای هر شاعر، به مقتضای اهمیت و شهرت او، ضمن اشاره به آثار و القاب و حوادث مشهور زندگی وی، با همان لحن کلام و سبک بیان و حتی نوع واژگانی که معمولاً وی به کار می‌برده، از او یاد شده است. بدین جهت به نام چهار تن از شاعرانی که ارکان ادب فارسی هستند (یعنی فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ)، سه بیت، و به رودکی و نظامی هر کدام دو بیت، اختصاص یافته است.

۴- در موارد انگشت‌شماری، با توجه به اینکه مجموعه مرکب بعضی نامها در این وزن نمی‌گنجیده، بین اجزاء اسمهای مرکب فاصله افتاده، یا تغییراتی جزئی در آنها پدید آمده است. که این ویژگی، در ذکر نام کتابها بیشتر نمود دارد. از جمله نام «فخرالدین اسعد گرگانی» در بیت ذیل، چنین آمده است:

به گرگان اسد فخر دین تو بود

که منظومه ویس و رامین سرود.

یا نام تذکره مشهور «الباب‌الباب» چنین آمده است:

لباب تو البابی از رفعت است

صفایت ز گلدسته رحمت است.

همچنین نام «ادیب‌الممالک فراهانی» بدین صورت آمده است:

کلامی رسا داشت قآنی‌ات

ادیبی ز ملک فراهانی‌ات.

۵- گاهی برای زیبایی و مضمون‌دار شدن شعر، نام چند شاعر، و یا

چند کتاب، با هم ترکیب شده است. مانند:

ز تو فضل افضل، فزونی گرفت

معین آمد و سیف رونی گرفت.

در این بیت، صرف نظر از «فرونی» و «معین»، که هر یک نام شاعری

است، نامهای «افضل» و «افضل»، و «سیف» و «رونی» نیز، که دو به دو

در بیت به صورت ترکیب اضافی آمده‌اند، هر یک جداگانه، نام شاعری

است.

۶- گاهی بنا به ضرورت، در آوردن اجزاء نامهای مرکب، تقدم و تأخر واقع شده است. مثلاً در بیت ذیل نام شاعر، که «شیرین کار» بوده، به صورت «کارشیرین» آمده است:

شفایی که در لعل نوشین توس

در آن شهدی از کار شیرین توس.

۷- در میان انبوه بیش از دو هزار نام شاعر که در این تذکره منظوم گنجانیده شده است، بنا به ضرورت شعری، گاهی حرف یا حروفی از آخر بعضی نامها کاسته، یا حرف یا حروفی دیگر به آنها افزوده شده است.

۸- برای رفع شبهه از ذهن کسانی که ممکن است گمان کنند این نامها بدون ارتباط در کنار هم قرار گرفته‌اند و هدف از این کار، تنها به نظم درآوردن نام شاعران و تذکره‌ها بوده است، باید یادآوری شود که چنین نیست. زیرا اگر دقت شود، میان نامها و کلمات، چنان ارتباط نزدیک و تنگاتنگی وجود دارد که در بسیاری از موارد شگفت‌انگیز و باور نکردنی است. ملاحظه کنید:

به فردوس تو پیر بیدار طوس

طراز آور رستم و اشکبوس،

هماورد آورد نامرد و مرد

ز توران وحشت برآورد گرد.

به شهنامه‌ات آخت تیغ خرد

حکیم سخن، بر ستیغ خرد.

در این ابیات، ضمن آنکه «فردوسی»، «پیر»، «بیدار»، «طوس»، «طراز» و «رستم»، هر یک نام شاعری است، ترکیب «پیر بیدار طوس» صفت مناسبی برای اشاره به فردوسی است. همچنین «طوس»، علاوه بر اینکه نام شاعری است، نام مدفن فردوسی، و نام یکی از شاهزادگان و پهلوانان ایرانی در شاهنامه هم هست. از آن گذشته، این شاهزاده، به هنگام جنگ رستم و اشکبوس - که بلافاصله نامشان در مصراع بعد آمده - فرماندهی سپاه ایران را عهده‌دار بوده است. در نتیجه، آوردن نام رستم و اشکبوس و طوس در کنار یکدیگر در این بیت، کاملاً حساب شده و سنجیده است و هرگز نمی‌تواند تصادفی باشد. اگر از فردوسی با صفت «طرازور رستم و اشکبوس» یاد شده، بدین جهت است که رزم رستم و اشکبوس یکی از زیباترین صحنه‌های توصیفی و داستانی شاهنامه است.

در این ابیات واژگان و ترکیبات «هماورد»، «آورد»، «نامرد»، «مرد»، «توران»، «برآوردگرد»، «آخت»، «تیغ» و «خرد» که در کنار هم نشسته‌اند، همه از واژه‌های خاص فردوسی هستند. چنانکه مجموعه این واژگان، بی‌تردید و بدون تأمل، «فردوسی» و «شاهنامه» را به صورتی چشمگیر در نظر نمودار می‌سازد. شاید لازم به ذکر نباشد که سخن گفتن از یک شاعر، با به کار گرفتن واژگان خاص او، آن هم به زبان و سبک بیان خود او، چه مایه بر لطف سخن می‌افزاید.

همچنین است اگر تأملی داشته باشیم بر ایهام و تناسبی که در چند واژه دیگر این ابیات - از قبیل «توران وحشت» - وجود دارد. می‌دانیم که دشمن اصلی ایرانیان در داستانهای شاهنامه، کشور توران است؛ علاوه بر آن، «توران» و «وحشت» هر کدام نام شاعری است. صرف نظر از این، ترکیب «توران وحشت» بیانگر فضای کلی شاهنامه و جنگهای ایران و توران نیز هست.

همین طور است، کلمه‌های «حکیم» و «خرد»، که علاوه بر اینکه هر یک به طور جداگانه نام شاعری است، در مجموع لقب فردوسی است. به ویژه که نشانگر بارزترین ویژگی اوست؛ به طوری که معمولاً در ادب فارسی از فردوسی با نام «شاعر خرد» یاد می‌شود. «خرد» مهم‌ترین عنصر شعری شاهنامه است و کمتر شاعری به اندازه فردوسی بر آن تأکید ورزیده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، اینگونه به رشته کشیدن جواهر کلمات، بی‌منظور و مقصود و به طور تصادفی نتواند بود؛ زیرا کمتر واژه‌ای است که از بیان آن قصدی و بلکه قصدها، آن هم با رعایت عالی‌ترین مناسبتها، در نظر نبوده است. همچنین دشواری این کار، و در نتیجه هنرنمایی شاعر، در گرفتن ایهام از این همه نام شاعر، بر کسی پوشیده نیست. مثلاً درباره نظامی آمده است:

نظامی حدیثی ز تو نو نوشت

ز شیرین شکرگنج خسرو نوشت.

سرودی تر آورد چون روح آب

به شادابی چشمه آفتاب.

مصرع اول، به نوآوری نظامی در شعر فارسی اشاره دارد. در مصرع دوم علاوه بر اینکه «شیرین»، «شکرگنج» و «خسرو» هر یک نام شاعری است، در آثار نظامی «شیرین» و «شکر» هر دو از معشوقه‌های «خسرو» بوده‌اند. از طرفی می‌دانیم که زیباترین اثر هنری نظامی، داستان «خسرو و شیرین» است.

در بیت دوم نیز، ضمن اینکه «سرودی»، «روح»، «شادابی»، «چشمه» و «آفتاب» هر یک نام چند شاعر است؛ همه از واژگانی هستند که نظامی در داستانهایش فراوان از آنها استفاده کرده است. و علاوه بر این، یادآور آب تنی «شیرین» در چشمه نیز هست. به عبارت دیگر، وقتی از شاعری سخن می‌رود، روح کلام و آهنگ سخن، با روح و آهنگ سخن او سازگاری دارد. یا در بیت ذیل:

معطر ز تو گلشن راز دل

در اشراق شیخ تو اعجاز دل.

علاوه بر اینکه «معطر»، «گلشن»، «راز»، «اشراق»، «شیخ» و «اعجاز» هر یک به نام یک یا چند شاعر اشاره دارد؛ «گلشن راز» نام کتاب «شیخ محمود شبستری» است، که در این بیت، نام «گلشن راز» و «شیخ» هر دو آمده است. افزون بر اینها، «معطر» نام نوه شیخ محمود است که خود نیز شاعر بوده است. ترکیب مقلوب «اشراق شیخ» نیز، تلمیحی به نام عارف مشهور، شیخ اشراق (سهروردی)، دارد که وی نیز، خود در سرودن شعر دست داشته است. در این بیت:

تو را تیر گر داد سنجر به دست
معزی از آن تیر بیداد خست.

نیز اشارات و تلمیحاتی وجود دارد. از جمله، علاوه بر اینکه «تیرگر»، «داد»، «سنجر»، «معزی» و «بیداد»، هر یک نام یک یا چند شاعر است؛ معزی یکی از شعرای معروف ادب فارسی و ملک الشعرای دربار سلطان سنجر بوده است. و چنانکه می‌دانیم، این بیت به طور ضمنی، به این داستان معروف اشاره دارد که سلطان سنجر در شکارگاه، به اشتباه معزی را هدف تیر قرار داد. علاوه بر اینها «داد» هم- که در این بیت ذکر شده-، خود یکی دیگر از مداحان و شاعران دربار سلطان سنجر بوده است.

۹- مطالب این کتاب در چند بخش تنظیم شده است: در بخش اول، برای آنکه نام کتابها و شاعران، ذهن خواننده را از دریافت مضمون روان شعر به عنوان یک مجموعه منسجم و منظم دور نکند؛ و از طرفی توجه او را به این نکته نیز معطوف دارد که، صرف نظر از نام شاعران و کتابهای فراوانی که در این منظومه آمده، خود منظومه نیز به تنهایی محتوایی مستقل دارد و از انسجام و استحکام برخوردار است؛ ابتدا تمام منظومه بدون هیچ مشخصه‌ای آمده است، تا خواننده فقط به جوهره و مضمون شعری آن توجه داشته باشد.

۱۰- در بخش دوم، بار دیگر عین منظومه چاپ شده است. ولی این بار نام شاعران و کتابها متمایز شده و پاره‌ای توضیحات لازم نیز، در پاورقی افزوده شده است. سپس برای معرفی اجمالی شاعران و کتابهایی

که نام آنها در شعر آمده، توضیحاتی با معرفی شاعران و کتابها به ترتیب آمدن نام شاعران و کتابها در ابیات، به تفکیک، تنظیم شده است (تنظیم این معرفی نامه‌ها ویژگیهایی دارد که در توضیحات بعدی بدانها اشاره خواهد شد).

۱۱- در معرفی شاعران و کتابها، عین نامی که در شعر آمده، با رعایت همان ترتیب، «مدخل» توضیحات قرار گرفته است. لازم به توضیح است که چنانچه گاهی تک تک کلمه‌ها در بیت، هر کدام به نام شاعر یا شاعرانی دلالت داشته باشد، و مجموعه ترکیب آنها نیز به نام شاعر یا شاعران دیگری دلالت کند؛ در این صورت ابتدا به ترتیب نامهای غیرترکیبی می‌آید و آنگاه نام مرکب. مثلاً در «پیر بیدار طوس»، ابتدا «پیر» و «بیدار» و «طوس» توضیح داده می‌شود، و آنگاه «پیر بیدار طوس (فردوسی)».

۱۲- اگر در ذکر نام شاعر در بیت، پس و پیشی یا دگرگونی ایجاد شده باشد؛ در معرفی نامه، ابتدا همان عبارت بیت در مدخل می‌آید؛ سپس نام کامل و درست شاعر، در مقابل آن، درون دو کمانه قرار می‌گیرد. مانند: بلند آمد اقبال (بلند اقبال)، ز طوس تو نامی اسد (اسدی طوسی).

همچنین است وقتی که در بیت عبارتی آمده باشد که به نام شاعری اشاره یا دلالت داشته باشد. مانند: پیر بیدار طوس (فردوسی)، به یمگان شد آواره مردی رها (ناصر خسرو)، پیر هرات (خواجه عبدالله انصاری).

۱۳- در معرفی نامه پس از ذکر مدخل، از سطر زیرین آن، نام شاعران و معرفی آنان به ترتیب زمان زندگیشان ذکر می‌شود. روش تنظیم نیز بدین صورت است که اولین نام به طور کامل می‌آید، ولی در بقیه نامها به جای نام اصلی، علامت تکرار (~) قرار می‌گیرد؛ مثلاً:

شهید بلخی

شهید بلخی (م. ۳۲۵) از شاعران و حکیمان توانای معاصر رودکی (لباب، ج ۲، ص ۳/ صفا، ج ۱، ص ۳۸۹)، ~ لاهوری (م ۱۱۳۰) (سخنوران، ص ۳۱۳): ~ تهرانی (م ۱۱۷۸) (همان جا).

۱۴- گاهی ممکن است نام شاعر یا شاعرانی، حرف یا حروفی اضافه بر اصل مدخل داشته باشد. در این صورت، اگر نام تمام شاعران حرفی اضافه داشته باشد، پس از مدخل، نام اولین شاعر همراه آن حرف اضافه ذکر می‌شود و در بقیه علامت تکرار (~) می‌آید. مانند:

کام

کامی سبزواری از شاعران قرن دهم که از ایران به هندوستان رفت و به دربار اکبر شاه راه یافت (نفیسی، ج ۱، ص ۴۳۳/ ریحانه، ج ۵، ص ۳۷): ~ قمی از شاعران قرن دهم که در جوانی به هندوستان رفته است (نفیسی، ج ۱، ص ۵۵۱).

و اگر نام بعضی حرف اضافه داشته و بعضی نداشته باشد؛ در این صورت، ابتدا نام شاعرانی که با مدخل یکی است، به ترتیب تاریخ

زندگی آنان می‌آید. سپس نام شاعرانی که حرفی اضافه دارند، دوباره در ذیل همان مدخل، ولی در پاراگراف جدید، ذکر می‌شود. در این صورت نیز نام اول پاراگراف، به صورت کامل، و در بقیه به جای نام اصلی، علامت تکرار (~) می‌آید؛ مانند:

بدیع

بدیع بلخی از شاعران نیمه دوم قرن چهارم (صفا، ج ۱، ص ۴۲۲/ سخن، ص ۴۳)؛ ~ سیستانی از شاعران قرن ششم (سخنوران، ص ۸۱).
بدیعی تبریزی حکیم و شاعر قرن دهم (همان، ص ۸۲)؛ ~ صفوی
پسر بهرام میرزا، پسر شاه اسماعیل صفوی از شعرای قرن دهم
(همان‌جا).
همینطور است اگر نام شاعر یا شاعرانی حرفی کمتر از مدخل داشته
باشد. مانند:

فیروزی

فیروزی بهمنی (م ۸۲۵) از سلاطین شاعر (سخنوران، ص ۴۵۸)؛ ~
شیرازی از شاعران قرن سیزدهم (حدیقه، ج ۲، ص ۱۳۹۵/ سخنوران،
ص ۴۵۸).
فیروز مشرقی (م ۲۸۳) از شاعران معاصر عمروبن لیث صفاری
(لباب، ج ۲، ص ۲/ صفا، ج ۱، ص ۱۸۱)؛ ~ کابلی از شاعران قرن
دهم (سخنوران، ص ۴۵۸).

۱۵- در معرفی نامه، به منظور پرهیز از تفصیل مطلب و اضافه شدن حجم کتاب- به جز در معرفی چند شاعر مشهور- معمولاً فقط به ذکر زمان زندگی شاعران اکتفا شده است. البته با معرفی منبعی که بی واسطه یا با واسطه، شرح حال شاعر در آن آمده، این امکان فراهم شده است که خواننده علاقه مند از روی آن بتواند به مراجعی که مشروح زندگینامه شاعر در آنها آمده، مراجعه کند.

برای اینکه ذکر منابع نیز مفصل نشود، برای هر کتاب، کلمه یا نشانه‌ای اختصاری برگزیده شده است. راهنمای این نشانه‌ها و مشخصات کامل آنها هم در پایان کتاب آمده است.

۱۶- هرگاه نام شاعر یا شاعرانی در بیش از یک بیت آمده باشد، معرفی ایشان در معرفی نامه، در ذیل توضیحات اولین بیتی که نام شاعر در آن آمده، صورت گرفته و از سایر ابیات به بیت نخستین ارجاع داده شده است. فقط در چند مورد اندک، ممکن است بنا به ضرورت‌های ویژه، از بیت پیشین به بیت‌های پسین ارجاع داده شده باشد.

۱۷- بخش سوم، به ترتیب، به فهرست الفبایی نام شاعران و کتابها اختصاص یافته است، تا خواننده جستجوگر به آسانی بتواند به بیت، یا توضیحی که نام شاعر مورد نظر در آن آمده است، دست یابد.

۱۸- در پایان نیز، فهرست منابع این کتاب و راهنمای اختصاری منابع، تنظیم شده است.

۱۹- خلاصه اینکه، ظرایف و ویژگیهای این کتاب به این مقدار که اشاره شد، محدود نمی‌شود. بلکه این مقدمه مختصر، فقط برای نشان

دادن نمونه‌ای بود که خواننده محترم به کمک آن، خود بتواند به تأمل در این اثر ماندگار پردازد و به درک لطافتها و زیباییهای آن نایل شود. در پایان این گفتار، ذکر این نکته لازم است که از آنجایی که کتاب حاضر یک اثر بدیع ادبی و تاریخ ادبیات منظوم است و خواننده با مراجعه به آن امکان می‌یابد با نام بیش از دو هزار شاعر و صد و پنجاه کتاب آشنا شود، و با از بر کردن این ابیات، آن نامها را آسان به خاطر بسپارد؛ سمت به انتشار آن همت گماشت تا به خواست خداوند، دانشگاهیان و غیر دانشگاهیان علاقه‌مند بتوانند از آن استفاده کنند.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها

(سمت)